واکاوی حکم تسعیر از سوی دولت در فقه امامیه با سه رویکرد حکم اولی، حکم ثانوی (ضرورت در فرض احتکار) و حکم حکومتی

(با تأکید بر مدل سه‌لایهٔ تصمیم‌گیری سیاستی)

علی ذرئی[1]

سید عباس دیانت[2]

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

۱ پژوهشگر حلقه فقه الاقتصاد مدرسه عالی فقاهت عالم آل محمد، مشهد، ایران. رایانامه: a.zaree1370@gmail.com

۲ دبیرحلقه فقه الاقتصاد مدرسه فقاهت عالی عالم آل محمد، مشهد، ایران.رایانامه: s.a.dianat@gmail.com

چکیده

مسئلهٔ «تسعیر» یا قیمت‌گذاری دستوری از مهم‌ترین چالش‌های فقه اقتصادی معاصر است که مستقیماً بر سیاست‌گذاری اقتصادی در جوامع اسلامی اثر می‌گذارد. در نحوهٔ قیمت گذاری دستوری، اقتصاد کاپیتالیستی و مارکسیستی دو رویکرد متقابل دارند: در نظام سرمایه‌داری، قیمت‌ها بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا تعیین می‌شوند؛ در حالی که در نظام مارکسیستی، قیمت‌ها به اجبار مشخص می‌گردند. اقتصاد اسلامی راه اعتدال و میانه را در این باره اتخاذ نموده است. میراث فقهی امامیه در این زمینه غنی اما پراکنده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس «مدل سه‌لایه‌ای» شامل حکم اولی، حکم ثانوی و حکم حکومتی، به واکاوی مشروعیت تسعیر می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد: در شرایط عادی بازار، حکم اولی تسعیر حرمت است و قیمت‌ها باید بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین شوند. در فرض یارانه‌دهی دولتی، به دلیل شرط ارتکازی عرفی در عقد، دولت حق نظارت و تعیین قیمت نهایی را دارد. در وضعیت اضطرار ناشی از احتکار، حکم ثانویِ دخالت حاکم برای رفع ضرر عمومی مشروعیت می‌یابد.در سطح حکم حکومتی، با پذیرش ولایت مطلقه فقیه، امکان صدور حکم موقت تسعیر بر اساس مصالح عامه وجود دارد. نوآوری این پژوهش در ارائه چارچوبی منسجم برای تفکیک سه لایه حکمی و تبیین مرزهای گذار میان آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها: تسعیر، قیمت گذاری دستوری، حکم اولی، حکم ثانوی، حکم حکومتی، احتکار، یارانه تولیدی

نسخه پیش از انتشار ناوردا

مقدمه

در تبیین چگونگی تعیین قیمت یک کالا، نظریهٔ غالب بر نقش عوامل عرضه و تقاضا در شکل‌گیری قیمت تأکید دارد. با این حال، پرسش اصلی آن است که آیا حاکمیت چنین فرایندی در سطح عمومی اقتصاد و از منظر اهدافی چون کارایی، تخصیص بهینهٔ منابع و عدالت توزیعی، قابل دفاع است یا خیر. در این زمینه دو دیدگاه کلی وجود دارد: در نظام‌های سرمایه‌داری ـ جز در موارد خاص مانند کالاهای عمومی که مکانیسم بازار قادر به تخصیص بهینه نیست ـ از آزادی قیمت‌ها و تعیین آن توسط سازوکار رقابتی دفاع می‌شود؛ در حالی که در نظام‌های سوسیالیستی، تعیین قیمت‌ها با ارشاد یا دخالت مستقیم دولت مورد تأکید قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸٤).

اقتصاد اسلامی در این میان رویکردی متوازن اتخاذ می‌کند. از یک سو، اسلام اصل آزادی مبادله و نقش عرضه و تقاضا را به رسمیت می‌شناسد و آن را در چارچوب قواعد شرعی و اخلاقی معتبر می‌داند؛ از سوی دیگر، برای جلوگیری از ظلم، احتکار، تبعیض و اخلال در عدالت اجتماعی، دخالت حاکم اسلامی در نظارت بر بازار را مشروع و لازم می‌شمارد. بدین ترتیب، اقتصاد اسلامی نه به آزادی مطلق بازار سرمایه‌داری تن می‌دهد و نه به کنترل کامل سوسیالیستی؛ بلکه با ترکیب کارایی بازار و عدالت اجتماعی، نقطهٔ تعادل میان این دو طیف مکاتب غربی را فراهم می‌آورد. اما قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات، -که به «تَسعیر»، معروف است؛- از دیرباز به عنوان یکی از ابزارهای مداخلهٔ حکومت در بازار در فقه اسلامی مورد بحث بوده است.

تعیین حکم فقهی این اقدام در عصر حاضر، -که دولت‌ها با پدیده‌هایی چون بحران‌های اقتصادی، انحصار، تحریم و شرایط اضطراری مواجهند؛ از اهمیت نظری و عملی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. پرسش از مشروعیت یا عدم مشروعیت این مداخله، مستقیماً بر سیاست‌گذاری اقتصادی در جوامع اسلامی تأثیر می‌گذارد.

میراث فقهی امامیه در این زمینه غنی، اما پراکنده است. از یک سو، ادله‌ای محکم، حرمت اولیهٔ دخالت در قیمت‌های بازار عادی را ثابت می‌کنند و از سوی دیگر، سنت فقهی نشان می‌دهد این حکم اولیه، مطلق نبوده و در شرایط خاص مانند اضطرار ناشی از احتکار متحول می‌شود. افزون بر این، با تکیه بر اختیارات حاکم اسلامی در حوزهٔ مصالح عمومی، امکان صدور حکم حکومتی در شرایطی مانند قحطی، انحصار یا جنگ اقتصادی نیز در کلمات فقهاء مورد تأیید قرار گرفته است. سوال این است که در نهایت، اقتصاد اسلامی قیمت‌گذاری دستوری را جایز می داند یا خیر؟ ابعاد مختلف این مساله چگونه است؟

هدف این مقاله، پر کردن این خلأ از طریق تبیین حکم فقهی تسعیر در قالب یک الگوی تحلیلی سه‌لایه‌ای است. سؤال محوری که پژوهش حاضر به آن پاسخ می دهد این است: «بر اساس منابع فقه امامیه، چگونه می‌توان با تفکیک سه لایه حکم اولی، ثانوی و حکومتی، چارچوبی منسجم برای تحلیل مشروعیت قیمت‌گذاری دستوری (تسعیر) توسط دولت ارائه داد و مرزهای هر لایه را تبیین نمود؟» پاسخ به این پرسش، گامی در جهت ایجاد وضوح نظری و عملی در یکی از چالش برانگیز ترین موضوعات فقه اقتصادی معاصر خواهد بود.

پیشینهٔ پژوهش

نسخه پیش از انتشار ویراسته

بسیاری از فقهای متقدم و متأخر بر اساس روایات تحریم قیمت گذاری حکم به حرمت تسعیر داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج۲، ص۱۹۵؛ ابن‌ادریس، ۱۳۸۷، ج۱۰، ص۳۳۶؛ نجفی، ۱۹۸۱م، ج۲۲، ص۴۸۱) پژوهش‌های معاصر نیز با تأکید بر این دیدگاه جمهور، تسعیر را در بازار رقابتی عامل فساد اقتصادی دانسته‌اند (محمدی بلبان‌آباد، ۱۳۹۹) البته در این زمینه برخی روایات انحصار قیمت گذاری تکوینی به دست خداوند را با قیمت گذاری حاکم اسلامی در تقابل و تضاد ندیده و اسناد تسعیر و افعال به خداوند را الهام گرفته از تفکر اشعری می‌دانند. (کریم‌پور، ۱۴۰۲)

در موارد اضطرار ناشی از احتکار یا اجحاف گسترده، فقهایی چون علامه حلی با تفکیک بین قیمت‌المثل و قیمت‌العدل، جواز ثانوی مداخله حاکم برای برقراری عدالت را پذیرفته‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج۱۲، ص۱۶۹؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). افزون بر این با تکیه بر اختیارات حاکم اسلامی در حوزه مصالح عمومی، امکان صدور حکم حکومتی در شرایطی مانند قحطی، انحصار یا جنگ اقتصادی نیز در کلمات فقها و تحقیقات جدید مورد تأیید قرار گرفته است (موسویان و بهاری، ۱۳۹۲؛ گرمه‌گی و عربشاهی، ۱۴۰۳)

برخی مداخله دولت در بازار از طریق قیمت گذاری دستوری را در نهایت سبب انحراف در تخصیص بهینه عوامل تولید عدم تعادل بازار، نهادینه شدن تورم و تشدید در نابرابری توزیع می دانند و دلیل را عدم اشراف اطلاعاتی بر هزینه‌های تولید و دیگر عوامل می دانند. (حسینی، ۱۳۸٤)

نعمتی‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با محوریت شرایط تورمی بازار، مسئله مداخله قیمتی دولت را از منظر فقهی و حقوقی واکاوی کرده است. این مطالعه ضمن تأکید بر اجماع فقهای امامیه مبنی بر حرمت تسعیر در شرایط عادی بازار — بر پایه اصل تسلط و آزادی مالک در تعیین قیمت — مداخله حاکمیت را تنها در موارد استثنایی و برهم‌خوردن تعادل بازار مشروع می‌داند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، عارض شدن عناوینی نظیر انحصار، احتکار، نیاز عمومی به کالا یا خدمات خاص، و ضرورت جلوگیری از اجحاف (با استناد به عهدنامه مالک اشتر)، مجوزهای شرعی برای خروج از اصل اولیه و اعمال تسعیر به شمار می‌روند. این پژوهش همچنین با تبیین تفاوت رویکرد فقه امامیه و اهل سنت نشان می‌دهد که حمایت از آزادی بازار در فقه شیعه تا آنجاست که حاکم حق مداخله برای جلوگیری از ارزان‌فروشی (قیمت‌شکنی) را برخلاف نظر برخی فقهای عامه ندارد.

روشنی و همکاران (۱٤۰٤) در پژوهشی با عنوان مبانی فقهی-حقوقی مداخلهٔ حکومت در روابط استیجاری، اقدامات حاکمیت در تحدید و تسعیر اجاره‌بها را مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشان با رویکردی توصیفی‌تحلیلی نتیجه می گیرند که مداخلات دولت در قیمت‌گذاری، بر پایه اصولی چون ولایت فقیه، مصلحت، ضرورت و حفظ نظام معاش استوار است که بر احکام اولیه‌ای نظیر حرمت تسعیر و اصل حاکمیت اراده تقدم دارند و موجب جواز محدود و موقت تسعیر می‌شوند.

با وجود گنجینهٔ ارزشمند فقهی-روایی، این پژوهش، خلأ اصلی را فقدان یک چارچوب تحلیلی منسجم می‌داند که این احکام را در یک الگوی نظام‌مند جای دهد. مشکل کنونی، اختلاط سه لایهٔ (اولی، ثانوی و حکومتی) و عدم ارائهٔ معیاری روشن برای تشخیص مصداق و تعیین مرزهای گذار از یک لایهٔ حکمی به لایهٔ دیگر است. این خلأ نظری منجر به تهافت در استنادات، خلط مباحث و در نتیجه، دشواری در ارائه راهکارهای عملی شفاف و مستدل برای سیاست‌گذاران شده است. پژوهش حاضر با اتخاذ چارچوبی روش‌مند، مسئله دخالت دولت را در مدلی سه‌لایه شامل حکم اولی، حکم ثانوی و حکم حکومتی

نسخه پیش از انتشار آزمایشی

صورت‌بندی می‌کند. این تفکیک ساختاری، ضمن حفظ عدم جواز تسعیر در شرایط عادی و رقابتی، نشان می‌دهد که چگونه بروز عناوین ثانوی نظیر ضرر عمومی یا اضطرار، و همچنین اقتضائات مصلحت‌سنجانه حاکم اسلامی در قالب حکم حکومتی، مستندِ مشروعیت مداخله موقت می‌گردد؛ افزون بر این، با طرح مفهوم شرط عرفی و ارتکازی در تخصیص یارانه‌های دولتی، خلأ مطالعات پیشین در خلط مبانی تقنین و سیاست‌گذاری را برطرف ساخته و سازوکار فقهی دقیقی برای حل تزاحمات منافع خصوصی و عمومی ارائه می‌دهد.

بحث

۱. تبیین مفاهیم پایه

۱-۱. تسعیر

در لغت عربی، «تسعیر» مصدر باب تفعیل از ریشه «سَعَرَ» است که به معنای «قیمت گذاشتن» یا «تعیین ارزش چیزی» می‌باشد. (ابن‌منظور، بی‌تا، ج٤، ص٣٦٥) فعل «سَعَّرَ الشَّیءَ» یعنی قیمت آن را معین کرد. بنابراین، «تسعیر» در معنای لغوی، به‌معنای تعیین قیمت برای کالا یا خدمات است.

در اصطلاح فقهی، «تسعیر» به قیمت‌گذاری اجباری توسط حاکم شرع یا دولت اسلامی برای کالاها یا خدمات خاص اطلاق می‌شود، به‌گونه‌ای که فروشنده از تعیین قیمتی متفاوت از قیمت تعیین‌شده منع می‌گردد (جمعی از محققان، ١٤٢٣، ج٢٧، ص١٥٥؛ حماد، ١٤٢٩، ص١٣٦). این اقدام معمولاً در شرایطی صورت می‌پذیرد که دولت قصد دارد از احتکار، گرانی فاحش، آشفتگی بازار یا ضرر عمومی جلوگیری کند یا قصد دارد به جهت پرداخت یارانه به تولیدکنندگان، حق تعیین قیمت نهایی را برای خود محفوظ دارد.

۱-۲. حکم اولی

حکم اولی، حکمی است که صرفا بر عناوین اولیه افعال و یا اشیاء قرار گرفته و موقت تشریع نشده است. (بحرانی، ۱۴۲۸ق، ج۲، ص. ۴۳)

۱-۳. حکم ثانوی

حکم ثانوی، حکمی است از سوی شارع مقدس که بر افعال و یا اشیاء با تحقق عنوانی از قبیل ضرر، حرج، اضطرار، اکراه و یا جهل نسبت به حکم اولی قرار گرفته است و تابع تحقق عنوان ثانوی است. (مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه، ۱۴۳۰ق، ص. ۸۴)

١-٤. حکم حکومتی

نسخه پیش از انتشار ارائه در استنا

حکم حکومتی، حکمی است از سوی حاکم شرع که بر روی عناوین اولیه افعال و یا اشیاء قرار گرفته است. البته به صورت غیر دائمی و مادامی که مصلحت جامعه اقتضاء آن حکم را داشته باشد. (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ص. ۱۵۸)[۳]

با توجه به تعاریف نکات زیر به دست می آید:

۱-حاکم در حکم اولی و ثانوی شارع و حاکم در حکم حکومتی، حاکم شرع است.

۲- حکم ثانوی وابسته به تحقق عنوان ثانوی در اشیاء یا افعال است و حکم حکومتی وابسته به تحقق مصلحت اجتماعی می‌باشد

۳- حکم ثانوی و حکومتی دائمی نیستند؛ حال آنکه حکم اولی دائمی است.

٤-حکم ثانوی تابع عنوان ثانوی است؛ اما حکم اولی و حکم حکومتی بر روی عناوین اولیه افعال و یا اشیاء بار می‌شوند.

٥- مرجع تشخیص موضوع و ملاک در حکم ثانوی مکلف است و در حکم حکومتی حاکم شرع است. به عبارتی حکم ثانوی یک حکم شخصی و خرد است ولی حکم حکومتی حکمی کلان و در سطح جامعه مسلمین است.

٦- حکم حکومتی وابسته به وجود مصلحت در جامعه مسلمین به صورت عمومی است ولی حکم اولی و ثانوی وابسته به وجود مصلحت برای هر شخص است

بعد از شناخت حکم اولی، ثانوی و حکومتی، باید حکم تسعیر در هر یک از این سه لایه بررسی شود.

۲. حکم اولیهٔ تسعیر دولت در شرایط عادی

اصل در فقه امامیه، تسلط مالکین بر اموالشان است. آیات قرآن کریم مانند «لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض» (نساء ۲۹) و قاعدهٔ «الناس مسلطون علی أموالهم» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج٤، ص٤٢) مبنای اصلی این تسلط است. بر اساس این اصل، در حالت عادی، هیچ‌کس، حتی حاکم، نمی‌تواند بدون رضایت مالک در قیمت‌گذاری دخالت کند. روایات متعددی این اصل را در تسعیر نیز تأیید می‌کنند.

۲-۱. بررسی اجمالی روایات تسعیر از منظر حکم اولی

روایات تسعیر فراوان است و خاصه و عامه آن را نقل کرده‌اند. بعضی از این روایات مشترک بین فریقین است. در این نوشتار نیازی به ذکر تمام آن روایات نیست و برای استدلال بر مدعای این نوشتار، بیان بعضی از آن‌ها کافی است. در این قسمت دو روایت صحیح السند و دو روایت به عنوان تایید ذکر می شود.

---

۳ دائرهٔ احکام حکومتی، بحثی مفصل و اختلافی است و ورود به آن، مجالی گسترده می‌طلبد. البته در ادامهٔ نوشتار توضیحی در این باب ارائه شده است.

نسخه پیش از انتشار اولیه و استناد

در روایتی صحیح‌السند از امام سجاد (ع) نقل شده است: «حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمه الله قال حدّثنا محمّد بن الحسن الصّفّار عن أيّوب بن نوح عن محمّد ابن أبي عمير عن أبي حمزة الثّمالي عن علي بن الحسين: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَكَّلَ بِالسِّعْرِ مَلَكاً يُدَبِّرُهُ بِأَمْرِهِ» («بی گمان خداوند بر سر قیمت‌ها فرشته‌ای گمارده که آن را به فرمان او تنظیم می کند.») (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص۳۸۹)٤

درصحیحه دیگر آمده است: «رَوَى النَّضْرُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ فِي تُجَّارٍ قَدِمُوا أَرْضاً وَ اشْتَرَكُوا عَلَى أَنْ لَا يَبِيعُوا بَيْعَهُمْ إِلَّا بِمَا أَحَبُّوا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ» (امام صادق ع در مورد تجاری که وارد سرزمینی شدند و با هم توافق کردند اجناس خود را جز به آنچه مایل هستند؛ نفروشند؛ فرمودند: اشکالی ندارد.) (ابن‌بابویه، ۱٤۱۳ق، ج۳، ص۲٦٦)

این روایت در کتاب التهذیب شیخ نیز با همین سند آمده است. (طوسی محمد بن حسن، ۱۳٦٥، ج۲، ص۱٦۲) البته به جای عبد الله بن سنان، عبد الله بن سلیمان آمده و عبد الله بن سلیمان موثق نیست. ولی سند صدوق صحیح است و عبد الله بن سنان ثقه است.

سوای روایاتی که از حیث سندی معتبرند؛ روایات دیگری نیز ذکر شده که به عنوان تایید می‌توان مطرح نمود: از جابر نقل شده که مردم مدینه از پیامبر (ص) درخواست تسعیر کردند، اما ایشان فرمودند: «دعوا الناس يرزق الله بعضهم من بعض» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۷، ص٤٤٥). این روایت نشان می‌دهد تعیین قیمت توسط بازار، امری الهی است و مداخلهٔ انسانی را برنمی‌تابد. هم چنین مرحوم صدوق از ابوحمزه ثمالی روایتی با تعبیر "روی" نقل کرده است: نزد علی بن الحسین (علیه‌السلام) از گرانی قیمت‌ها سخن به میان آمد. حضرت فرمود: «گرانی آن چه ربطی به من دارد؟ اگر گران شود، به عهدهٔ خود اوست و اگر ارزان شود، باز هم به عهدهٔ خود اوست.» (ابن‌بابویه، ۱٤۱۳ق، ج۳، ص۲٦۷)

با توجه به مجموعه روایات معصومین و کلمات فقهاء، مبتنی بر معیار وثوق صدوری، صدور این مضمون از معصومین سلام الله علیهم اجمعین اطمینان آور است و دلالت بر عدم جواز دخالت انسانی در بحث تسعیر دارد.

۲-۲. نگاهی به کلام فقیهان در حکم اولی تسعیر

اکثر فقیهان، از مذاهب اسلامی با استناد به ادلهٔ لزوم رضایت در معاملات، قاعده تسلط بر مال، ادله حرمت ظلم، و روایات نهی از تسعیر، حکم اولی قیمت‌گذاری بر دولت را حرام دانسته‌اند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج۲، ص۱۹۵؛ ابن‌ادریس، ۱۳۸۷، ج۱۰، ص۳۳۶؛ حلی، ۱٤۱٤، ج۱۲، ص۱٦۸؛ نجفی، ۱۹۸۱م، ج۲۲، ص ٤۸۱؛ ابن‌قدامه، ۱۴۱۴، ج۴، ص۱۵۶؛ نووی، ۱۴۱۵، ج۳، ص۱۳۱؛ ابن‌جُزَی، بی‌تا، ج۱، ص۱۶۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج۴، ص۲۶۹۶؛ محقق داماد، ۱۳۶۲، ج۱، ص۸۱-۸۳)

به عنوان نمونه امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرمایند: «لا يجوز للحاكم تسعير الأسعار إلا إذا كان فيه ضرر على الناس» (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۲، ص۴۵۲). از این متن به دست می آید که در غیر صورت ضرر، تسعیر به صورت اولی جایز نیست.

---

٤ محمد بن الحسن بن أحمد شيخ القميين، و فقيههم، و متقدمهم، و وجههم رجال النجاشي. جلد:۱. صفحه:۳۸۳. محمد بن الحسن بن فروخ الصفار كان وجها في أصحابنا القميين ثقة عظيم القدر راجحا قليل السقط في الرواية الخلاصة للحلي. جلد:۱. صفحه:۱۵۷. أيوب بن نوح بن دراج ثقة الخلاصة للحلي. جلد:۱. صفحه:۱۲. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ اَلْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ، يَقُولُ: انَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ أَفْقَهُ مِنْ يُونُسَ وَ أَصْلَحَ وَ أَفْضَل اختيار معرفة الرجال. جلد:۲. صفحه:۸۵۵. ابو حمزه الثمالی ثابت بن دينار كان ثقة الخلاصة للحلي. جلد:۱. صفحه:۲۹.

۳. حکم اولیهٔ تسعیر دولت در فرض یارانه‌های دولتی

یکی از مهم‌ترین تحولات فقهی در عصر حاضر، بازخوانی تسعیر در چارچوب یارانه‌دهی دولتی است. هنگامی که دولت به عوامل تولید یارانه اعطا می‌کند، با این هدف اقدام می‌کند که تولیدکننده بتواند محصول نهایی را ارزان‌تر و مناسب‌تر در اختیار مردم قرار دهد.

به عنوان مثال، بر اساس مصوبه شورای قیمت‌گذاری محصولات اساسی کشاورزی، قیمت خرید تضمینی گندم از کشاورزان برای سال ۱۴۰۴، مبلغ ۲۰۵۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم تعیین شده است، در حالی که قیمت فروش آرد یارانه‌ای به نانوایی‌ها بسیار پایین‌تر از این رقم است. (در برخی موارد حدود ۷۰۰۰ تومان یا حتی کمتر.) این امر نشان می‌دهد دولت برای هر کیلوگرم گندم حدود ۱۳۵۰۰ تومان یارانه پرداخت می‌کند. به عبارت دیگر، دولت گندم را از کشاورز با قیمت ۲۰۵۰۰ تومان خریداری می‌کند، اما پس از تبدیل آن به آرد، آن را با قیمت ۷۰۰۰ تومان عرضه می‌کند و حتی هزینهٔ فرآوری گندم به آرد نیز در این محاسبه در نظر گرفته نمی‌شود. گفتنی است که در سال ۱۴۰۲، حدود ۸۵% قیمت واقعی نان با توجه به آرد یارانه‌ای که دولت در اختیار نانوایی‌ها قرار می‌دهد، پرداخت می‌شده و نانوایی‌ها تنها ۱۵% باقیمانده را از مشتریان دریافت می‌کنند (تابناک، ۱۴۰۲).

مثال عملی دیگری از این رویکرد، یارانهٔ انرژی در صنایع فولاد و سیمان است. دولت با ارائهٔ گاز و برق یارانه‌د ار، حدود ۶۰ تا ۷۰% هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهد (اقتصاد آنلاین، ۱۴۰۲). در این موارد، تسعیر قیمت نهایی نه تنها استثنا محسوب نمی‌شود، بلکه اعمال یک حق مشروع است.

تصحیح قیمت‌گذاری دستوری در فرض یارانه‌دهی دولتی مبتنی بر شروط عرفی موجود در عقد

شروط ضمن عقد را به سه قسم می‌توان تقسیم کرد. گاهی شرط به صورت صریح در ضمن عقدی گنجانده شده و گاهی به صورت ضمنی ذکر شده است؛ مانند این‌که قبل از عقد در مورد این شرط صحبت شده و در زمان عقد قرینه‌ای وجود دارد که عقد مبنی بر آن شرط و مقید به آن منعقد شده‌است. به قسمت دوم، شرط ضمنی یا شرطی که عقد مبنی بر آن منعقد شده؛ گفته می‌شود. قسم اول و دوم مورد قبول فقهاء است. در فقهای معاصر، فقیهانی مثل امام خمینی، و آیت‌الله سیستانی به صحت چنین شروطی فتوا داده‌اند. اما قسم سومی برای شروط متصور است که متفاوت با قسم اول و دوم است و بر اساس تفاهم عرفی عقد مقید به آن شرط است. این چنین شروطی در متن عقد ذکر نشده و قبل عقد نیز صحبتی از آن نشده است؛ اما در تفاهم عرفی عقد مبتنی بر آن منعقد می‌گردد. ظاهرا قسم سوم یعنی شروطی که مبتنی بر تفاهم عرفی، عقد مشروط به آن‌ها لحاظ می‌گردد؛ اختلافی است. (روحانی محمد صادق.۱٤۲۹، ج۵، ص ۲۷۳). در کلام آیت الله سیستانی تصریح به مقبولیت این نوع از شروط شده است. (سیستانی، ۱٤۱۵، ج۲، ص ۵۷) صحت این شروط نزد این پژوهش مقبول است و البته بحث فقهی آن در جای خود باید دنبال گردد.

با توجه به هدف یارانهٔ دولتی به تولیدکننده و با توجه به قسم سوم از شروط، هنگام فروش مواد اولیه از سوی دولت به تولیدکننده، در اقتصاد ایران شرطی عرفی وجود دارد مبنی بر اینکه تولیدکننده موظف است قیمت محصول نهایی را بر اساس نظر دولت تعیین نماید. در این صورت، بر اساس دلیل «المومنون عند شروطهم» (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج۱۷، ص ۲۱۹)، دولت حق

نسخه پیش از انتشار ناشر امانت

دارد قیمت محصول نهایی را تعیین کند و نظارت دولت بر قیمت نهایی ممکن می‌شود و می‌تواند با متخلفان بر اساس مفاد شرط ارتکازی عرفی ضمن عقد، برخورد قانونی و جزایی داشته باشد.

٤. حکم ثانویه در شرایط اضطرار (کمبود به جهت احتکار)

احتکار به نگهداری کالا برای افزایش قیمت و ایجاد کمبود مصنوعی اطلاق می‌شود. (مفید، ١٤١٠ق، ص٦١٦) در روایت معتبر امام صادق (ع) فرمودند: «المحتکر ملعون» (حر عاملی، ١٤٠٩ق، ج١٧، ص٤٢٤).

در فقه شیعه دربارهٔ موارد و کالاهایی که موضوع احتکار واقع می‌شوند، سه دسته روایت مطرح است و بر اساس آن سه نظریه مطرح شده است.

اول: روایاتی چون عهدنامهٔ امام علی به مالک اشتر، احتکار را در همهٔ کالاها ممنوع می‌داند. (شریف الرضی، ١٤١٤، ص٦٣٨؛ حر عاملی، ١٤٠٩، ج١٧، ص ٤٢٧)؛

دوم: روایات تقیید به طعام که احتکار را فقط در مواد غذایی نهی می‌کند. (حر عاملی، ١٤٠٩، ج١٧، ص٤٢٤)؛ (خوئی ١٤١٨، ج ٣٧، ص٤١٥)؛

سوم: روایات حصر که آن را محدود به چند کالای خاص مانند گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و در برخی روایات نمک می‌داند. (کلینی، ١٤٠٧، ج٥، ص١٦٤؛ حمیری، ١٤١٣،ص١٣٥)

صاحب جواهر در حکم تکلیفی احتکار، میان قول به کراهت (مختار شیخ مفید، شیخ طوسی در مبسوط و علامه حلی) و قول به حرمت (مختار شیخ صدوق، ابن‌ادریس و شهیدین)، کراهت شدید را موافق‌با اصول مذهب و قاعده تسلط می‌داند. وی با بررسی سندی و دلالی روایات باب (از جمله مکاتبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر، خبر سکونی و روایات نبوی)، معتقد است لسان این اخبار علی‌رغم اشتداد لحن و تعابیری همچون ملعون و خاطئ، هم‌سنخ با ادبیات روایات وارد در مکروهات مؤکد است؛ چراکه این متون توان معارضه با عمومات آزادی تجارت و سلطه مالکان بر اموالشان را ندارند. با این حال، تصریح می‌کند که اگر حبس طعام به قصد اضرار عمومی یا رساندن جامعه به حد اضطرار و اختلال نظام معیشتی باشد، از باب عناوین ثانوی و قواعد بیرونی حرام خواهد بود.(نجفی، محمد حسن، بی تا، ج٢٢، ص٤٧٧)

از منظر قلمرو موضوعی، صاحب جواهر دامنه احتکار را به تبعیت از مشهور و تصریح روایات، در اقلام اساسی پنج‌گانه یا شش‌گانه (گندم، جو، خرما، کشمش، روغن حیوانی و نباتی) محصور می‌داند؛ هرچند احتمال تمثیلی بودن این موارد و سرایت حکم به هر کالای مورد نیاز عامه را نیز طرح می‌کند. تحقق موضوع احتکار در فقه جواهر منوط به سه شرط ساختاری است: حبس کالا به انتظار افزایش قیمت (انتظار غلا)، فقدان فروشنده یا عرضه‌کننده دیگر در بازار (انحصار عرضه)، و وجود نیاز عمومی مردم؛ بنابراین ذخیره‌سازی برای مؤونه شخصی یا مصارفی چون بذر، از عنوان احتکار خارج است. (نجفی، محمد حسن، بی تا، ج٢٢، ص٤٨٢)

در بعد اختیارات حاکمیت و مداخله در بازار، وی بر اجماع فقها مبنی بر اجبار محتکر به فروش توسط حاکم شرع تأکید می‌کند؛ زیرا مصلحت عمومی و حفظ نظام معیشتی بر اصل عدم اجبار مالک مقدم است. با وجود حکم به اجبار، بر اساس

نسخه پیش از انتشار اثر در راستا

قول مشهور و روایات نبوی (مبنی بر توقیفی بودن نرخ و پرهیز از بدعت)، حاکم حق تسعیر و تعیین نرخ ندارد و قیمت‌گذاری به خود فروشنده واگذار می‌شود؛ مگر در فرضی که محتکر به قیمت اجحاف‌آمیز و غیرمتعارف اقدام کند. در این حالت، حاکم شرع به استناد قاعده لاضرر و به منظور تأمین غرض اصلی اجبار (یعنی رفع تنگی معیشت)، از اجحاف ممانعت کرده و فروشنده را به تعدیل نرخ و پذیرش قیمت عادلانه ملزم می‌سازد. (نجفی، محمد حسن، بی تا، ج۲۲، ص۴۸۳-۴۸۷).

شفیعی با تحلیل سه دسته روایات، نظریهٔ اطلاق را بر نظریه‌های تقیید و حصر مقدم می‌داند:

اولاً، روایات مطلقه مانند عهدنامه امام علی به مالک اشتر که می‌فرماید: «فامنع من الاحتکار فإن رسول الله منع منه» (شریف الرضی، ۱٤۱٤، ص٦۳۸؛ حر عاملی، ۱٤۰۹، ج۱۷، ص ٤۲۷)، دلالت بر حرمت احتکار به‌طور کلی دارند.
ثانیاً، روایات مقیده به طعام مانند روایت موثقه «لا یحتکر الطعام إلا خاطئ» (حر عاملی، ۱٤۰۹، ج۱۷، ص٤۲٦) ناظر به مصادیق غالب‌اند، نه انحصار موضوع.
ثالثاً، روایات حاصره مانند «لیس ا لاحتکار إلا فی الحنطة والشعیر والتمر والزبیب والسمن» (کلینی، ۱٤۰۷، ج۵، ص١٦٤؛ حمیری، ۱٤۱۳،ص۱۳۵) محمول به حصر اضافی در آن زمان هستند. ضمن اینکه ملاک حرمت احتکار که نیاز شدید مردم است شامل همه موارد می شود. بنابراین، هر کالایی که در زمان و مکان خاص، برای بقاء و زندگی مردم ضروری باشد، اگر احتکار شود، مشمول حکم حرمت است. (شفیعی، ۱۴۰۰، ص۳-۲۳).

۱-٤. اقوال بیان‌شده در قیمت‌گذاری زمان احتکار

برخی مقالات مانند (گرمه‌گی و عربشاهی، رضا، ۱٤۰۳؛ آهنگران، ۱۳۹۹) بیان کرده‌اند: سه دیدگاه کلی در فقه امامیه درباره قیمت‌گذاری در شرایط احتکار مطرح شده است:

نخست، مشهور فقیهانی چون شیخ طوسی و ابن ادریس حلی که بر عدم جواز مطلق تسعیر حتی در فرض اضطرار تأکید دارند به نظر ایشان حاکم شرع فقط می تواند محتکر را مجبور به فروش اجناس خود کند ولی قیمت گذاری با خود فروشنده است (طوسی ۱۳۸۷، ج۲، ص ۱۹۵؛ ابن‌ادریس، ۱۳۸۷، ج۱۰، ص ۳۳٦)؛
دوم، برخی فقیهان امامیه مانند شیخ مفید و سلار دیلمی در شرایط خاصی چون احتکار، جواز قیمت‌گذاری از سوی دولت را پذیرفته‌اند، مشروط بر آن‌که مصلحت عمومی اقتضا کند و قیمت‌گذاری موجب ضرر فاحش به فروشنده نشود. این دیدگاه با تأکید بر تقدم مصالح عامه و نقش حاکم در تنظیم عدالت اقتصادی، امکان مداخله را در موارد اضطراری مجاز می داند. (مفید، ۱۴۱۰ق: ص۶۱۶؛ دیلمی، ۱۴۱۴ق: ص۱۸۲؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج۲۲ ص ٤۸۱)؛
سوم، نظریه ترتیبی. برخی مانند امام خمینی ابتدا الزام به فروش با قیمت متعارف را واجب می‌داند و در صورت امتناع یا اجحاف، تعیین قیمت توسط حاکم را جایز می‌شمارند. (خمینی، ۱۳۹۲، ج۳، ص۶۳۵؛ منتظری، ۱٤۰۹، ج۲، ص ٦٦۵)

به نظر می‌رسد فقیهانی که مستقیم حکم به جواز تسعیر داده‌اند تسعیر را از باب حکم حاکم در نظر گرفته‌اند و فقیهانی که به صورت ترتیبی فتوا به جواز داده‌اند و یا فقط الزام به بیع را مجاز دانسته‌اند تسعیر را از باب حکم ثانوی و در فرض اضطرار در نظر گرفته‌اند. بنابراین تقریر فتاوای فقها با یکدیگر تهافت و تنافی نخواهد داشت. چراکه فقهاء از باب حکم ثانوی اختلافی

نسخه پیش از انتشار اولیه

در حکم تسعیر ندارند. و اگر در حکم حکومتی به صورت مستقیم فتوا به جواز قیمت‌گذاری داده‌اند؛ با نظریه ترتیبی در حکم ثانوی منافات ندارد. در ادامه حکم حکومتی بررسی شده و در این باره توضیح بیشتری خواهد آمد.

۲-٤. نظر پژوهش حاضر در قیمت‌گذاری زمان احتکار

اجبار محتکر بر عرضه کالا بحثی مستقل از قیمت‌گذاری است. بر اساس نظر این پژوهش، در زمان احتکار تعیین قیمت بر عهدهٔ خود محتکر است؛ مگر آنکه وی از التهاب بازار و شرایط احتکاری سوءاستفاده کند که در این صورت حکم متفاوت خواهد بود.

در روایت صحیح السند آمده است که پیامبر خدا (ص) دستور دادند کالاهای احتکارشده در بازار عرضه شوند. هنگامی که از ایشان خواسته شد برای آن کالاها قیمت معیّن کنند، خشمگین شدند و فرمودند: «آیا من باید قیمت‌گذاری کنم؟! قیمت‌ها در دست خدای عزّوجل است؛ اوست که هرگاه بخواهد بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد.» سپس افزودند: «بگذارید بندگان خدا با یکدیگر داد و ستد کنند» (طوسی، ۱۳٦٥، ج۷، ص۱٦۱؛ استبصار، ۱۳٦۳، ج۳، ص۱۱٤).

بر اساس این حدیث، پیامبر اعظم (ص) از قیمت‌گذاری پرهیز کرده و آن را به فروشنده واگذار نمودند. بنابراین حتی در فرض احتکار و تهدید امنیت غذایی، حاکم اسلامی تنها محتکر را ملزم به عرضه کالا می‌کند و از باب حکم ثانوی حق دخالت در قیمت‌گذاری ندارد؛ مگر آنکه عدم دخالت موجب تحقق عناوینی چون ضرر گردد. در این صورت حکم متفاوت خواهد بود.

اما پرسشی که باقی می‌ماند این است که آیا حاکم می‌تواند از باب حکم حکومتی قیمت را تعیین کند؟ پاسخ وابسته به نظریهٔ پذیرفته‌شده دربارهٔ دایرهٔ اختیارات حکم حاکم است که در ادامه نوشتار بررسی می‌شود

۵. تبیین حکم تسعیر بر اساس لایهٔ حکم حکومتی

این حکم، هم رتبه و همسان حکم اولی است و نه ثانوی. زیرا حکم ثانوی آن است که با فرض حکم اولی و تحقق عنوانی از قبیل ضرر و اضطرار، حکمی از سوی شارع جعل شود؛ ولی در حکم حکومتی، حکمی در موضوع حکم حکومتی مفروض نیست و جعل حکم بر اساس مصلحت جامعه از سوی حاکم شرع محقق می‌شود.

۱-۵. قلمرو حکم حکومتی

درباره قلمرو حکم حکومتی دو نظریه وجود دارد که در ادامه به صورت مختصر تبیین شده‌اند.

۱-۱-۵. نظریهٔ اول: تقدم حکم حکومتی بر احکام اولیه

امام خمینی قائل هستند قلمرو حکم حاکم شرع تمام احکام را در بر می‌گیرد و حاکم شرع در فرض احراز مصلحت اقوی، مجاز به صدور حکم بر خلاف احکام اولیه نیز می‌باشد. طبق نامهٔ امام خمینی (ره) به آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان تصریح می‌کنند: «حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است.» (خمینی، ۱۳٦٦، ج۲۰، ص٤٥۱) در این چارچوب، ولی فقیه می‌تواند برای حفظ نظام اسلامی، احکام اولیه و ثانویه را تعلیق کند و تغییر دهد. مرحوم امام خمینی معتقد است شارع بر اساس ملاکات زمان تشریع احکام را

نسخه پیش از انتشار ارائه شده

جعل نموده است؛ ولی این اختیار را به حاکم شرع سپرده تا در صورت تغییر ملاکات و تغییر اهم و مهم، حکم متناسب با زمان را جعل کند. پس حاکم شرع حتی در حوزهٔ الزامیات شارع می تواند دخالت کند. البته این حکم محدود به بقاء ملاک جدید است. (خمینی، ۱۳٦٦، ج۲۰ ص٤٥٢)

عبارت امام خمینی در توضیح حکم حکومتی چنین است: (حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور اسلام باشد یك جانبه لغو کند و می تواند هر امری را, چه عبادی یا غیر عبادی, که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن، مادام که چنین است؛ جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست؛ موقتاً جلوگیری کند.) (خمینی، ۱۳٦٦، ج۲۰، ص٤٥٢)

با توجه به این تعابیر، به نظر مرحوم امام (ره) ولی فقیه و حاکم اسلامی می تواند در همه حوزه های دین ورود کند و در صورت وجود مصلحت بالاتر از مصالح اولیه افعال، حکمی متنافی با احکام اولیه جعل کند. البته طبیعتا این حکم محدود به بقاء مصلحت اجتماعی بالاتر از مصلحت اولیه فعل است.

۲-۱-۵. نظریهٔ دوم: نفوذ حکم حکومتی در منطقة الفراغ

شهید صدر معتقد است حکم حکومتی در حوزه‌ای مباین از حوزه حکم اولی و ثانوی قرار دارد. شهید صدر معتقد است شارع مقدس، خود، مصلحت سنجی‌ها را تا قیامت انجام داده و ملاحظه کرده در چه حوزه‌هایی ملاکات اجتماعی بر فردی غلبه نخواهد کرد و در آن حوزه‌ها حکم الزامی صادر نموده است. اما در حوزه‌ای که تغییر و تحول در ناحیهٔ ملاک انجام خواهد شد، جعل حکم نکرده و آن حوزه را خالی از حکم قرار داده تا ولی فقیه و حاکم اسلامی به فراخور ملاکات هر زمان، جعل حکم حکومتی نماید. شهید صدر این مدل از تشریع را مترقی‌ترین روش برای خلود و بقاء دین و شریعت دانسته و رمز جاودانگی شریعت را انطباق دین با زمان های مختلف می‌داند. (الصدر، ۱٤۰۸، ص٦٨٤؛ صدر،۱۳۹۳، ج۲، ص٤١٨-٤١٩ و ٣٤٤-٣٤٥)

۳-۱-۵. نتایج دو رویکرد مطرح‌شده در قلمرو حکم حکومتی

هرچند تسعیر بنا بر حکم اولی حرام است، اما بر اساس مبنای فقیهانی چون امام خمینی (ره)، از باب حکم حکومتی و مشروط به وجود مصلحت اقوی برای جامعه مجاز شمرده می‌شود. همچنین در فرض بروز اضطرار ناشی از احتکار، چنانچه رفع آن منحصر به تسعیر باشد، اقدام دولت به قیمت‌گذاری از باب حکم ثانوی و در حد ضرورتِ رفع اضطرار، جایز خواهد بود. بنابراین، قائلان به مبنای نخست در قلمرو حکم حکومتی، در فرض اضطرار از دو جهت تسعیر را برای دولت مجاز می‌دانند: نخست از باب حکم ثانوی و دوم به جهت اندراج در قلمرو حکم حکومتی. فتاوای پیش‌گفته از فقیهانی نظیر شیخ مفید و سلار دیلمی نیز ناظر به همین مبناست.

شایان ذکر است که تفاوت تسعیر از جایگاه حکم حکومتی با تسعیر از باب حکم ثانوی در این است که در حکم حکومتی، با فرض وجود مصلحت اقوی برای عموم جامعه اسلامی، حاکم شرع بدون طی مراحل اجبار به فروش و تنزیل قیمت، مستقیماً

نسخه پیش از انتشار آثار ویراستا

اقدام به قیمت‌گذاری می‌کند. اما در حکم ثانوی و در فرض حصول اضطرار، اولاً گستره جعل حکم منحصر به محدوده وقوع اضطرار است؛ برای نمونه، بروز اضطرار در یک شهر، مجوز تسعیر در کل کشور نخواهد بود. ثانیاً در حکم ثانوی باید سلسله‌مراتب رفع اضطرار طی شود؛ بدین معنا که صرف وقوع اضطرار بلافاصله مجوز تسعیر نیست، بلکه ابتدا باید محتکران به فروش اجبار شوند، در صورت عدم رفع مشکل به تنزیل قیمت ملزم گردند و در نهایت، چنانچه ضرر و اضطرار همچنان باقی بود، حاکم شرع قیمت عادلانه‌ای تعیین نماید.

بر این اساس، اگر دولت برای تأمین مصالح کلان کشور، نظیر حفظ نظام، تمامیت ارضی یا صیانت از وجهه نظام اسلامی در عرصه بین‌الملل ناگزیر از تسعیر باشد، اقدام وی در زمره احکام حکومتی قرار می‌گیرد. اما اگر صرفاً ترک تسعیر موجب اضطرار مکلفان شود، قیمت‌گذاری تنها با رعایت شرایط مختص به احکام ثانوی مجاز خواهد بود. بنابراین، مداخله حاکم شرع و دولت جهت اِعمال حکم ثانوی، اساساً برای پیشگیری از هرج‌ومرج و اختلال نظام است. به بیان دیگر، حاکم شرع ابتدائاً و صرفاً به علت وجود اضطرار وارد عرصه تسعیر نمی‌شود، بلکه از باب دفع فتنه و رفع خصومت مداخله می‌کند؛ درحالی‌که در صدور حکم حکومتی، وی مستقیماً عهده‌دار تأمین مصلحت کلان جامعه است.

در مقابل، اگر مبنای فقیهانی چون شهید صدر پذیرفته شود، حاکم شرع نمی‌تواند از جایگاه حکومتی در باب تسعیر حکم صادر کند، زیرا حکم اولیه آن حرمت است و حاکم صرفاً در محدوده فارغ از حکم اولی مجاز به جعل حکم حکومتی است. (الصدر، ۱٤۰۸، ص٦٨٤؛ صدر،۱۳۹۳، ج۲، ص٤١٨-٤١٩ و ٣٤٤-٣٤٥) در این دیدگاه، تنها در فرض بروز اضطرار، تسعیر از باب حکم ثانوی و به‌عنوان فعل دولت از باب دفع خصومت و پیشگیری از هرج‌ومرج، جایز می‌گردد و اجرای آن نیز شرعا منوط به رعایت مرحله‌به‌مرحله قواعد احکام اضطراری است.

٦. مدل تصمیم‌گیری سیاستی سه‌لایه‌ای

برای اجرای صحیح تسعیر، لازم است لایهٔ حاکم بر هر مورد با ترتیبی منطقی تشخیص داده شود. مدل پیشنهادی این پژوهش به صورت زیر است:

اول: بررسی می شود که آیا دولت برای تولیدکننده، یارانه در مواد اولیه در نظر گرفته است و در فروش مواد اولیه به تولید کننده شرط ارتکازی تسعیر برای دولت وجود دارد یا خیر؟ اگر این شرط باشد؛ دولت حق اعمال مقررات برای قیمت نهایی محصول را از باب «المومنون عند شروطهم» خواهد داشت.

دوم: در صورت عدم شرط برای دولت، بررسی می‌شود آیا وضعیت اضطراری به جهت احتکار که موجب اضطرار و ضرر عامه می‌شود، وجود دارد؟ در فرض مثبت بودن پاسخ، تسعیر از باب اضطرار در فرض عدم همکاری مالک با حاکم به هیچ صورت دیگر، مجاز خواهد بود.

سوم: در صورت عدم فرض اضطرار بررسی می شود آیا مصلحت اقوی از سلطه مالک بر اموال خود برای تسعیر وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت بود طبق مبنای مثل امام خمینی در حکم حکومتی تسعیر مجاز می‌شود و طبق مبنای مرحوم صدر در حکم

نسخه پیش از انتشار آنلاین در آینده

حکومتی تسعیر مجاز نیست. چرا که تسعیر به لحاظ حکم اولی حرام بوده و به نظر ایشان حکم حکومتی فقط در دائره خالی از تشریع نفوذ دارد. (الصدر، ۱٤۰۸، ص٦٨٤؛ صدر،۱۳۹۳، ج۲، ص٤١٨-٤١٩ و ٣٤٤-٣٤٥)

دقت شود در فرض احتکار و وجود مصلحت اقوی بر تسعیر طبق مبنای امام خمینی دو مسیر برای دولت در تسعیر ممکن می شود. در فرضی که به تاخیر انداختن تسعیر خلاف مصلحت است، دولت باید مسیر تسعیر مستقیم را در پیش گیرد و در فرضی که تاخیر در تسعیر خلاف مصلحت نیست هر دو مسیر برای دولت مجاز است. ولی طبق مبنای مثل مرحوم شهید صدر فقط یک راه برای تسعیر وجود دارد و آن اجبار حاکم به فروش محتکر به قیمت متعارف است. اما اگر فروشنده از دستور دولت به فروش کالا به قیمت متعارف اطاعت نکرد، تسعیر اجباری دولت مجاز خواهد بود.

چهارم: در صورت نبود مصلحت اقوی برای تسعیر حکم اولی حرمت تسعیر نافذ است.

این مدل در عمل، در کالاهایی مانند نان (مشارکتی)، دارو (ثانویه) و ماسک (حکم حکومتی) قابل اجرا است. پیشنهاد می‌شود هیئت فقهی تنظیم بازار با حضور فقها، اقتصاددانان و نمایندگان بخش خصوصی تشکیل شود تا لایه حاکم را تشخیص دهد و از سوءاستفاده جلوگیری کند.

نتیجه گیری

تسعیر (قیمت‌گذاری دستوری) به‌عنوان یکی از ابزارهای مداخله گرانه دولت در بازار، در فقه امامیه حکم یکسانی ندارد و بسته به شرایط و لایه حاکم بر موقعیت، سه جایگاه فقهی متفاوت می‌یابد: به عنوان اولی حرام است. اگر دولت با یارانه به تولید کننده در ضمن عقود معین شرط ارتکازی ضمن عقد داشته باشد تا بتواند در قیمت گذاری محصول نهایی مداخله کند، از باب «المومنون عند شروطهم»، دخالت در قیمت و تسعیر جایز است. اگر احتکار صورت گرفته و اضطرار حاصل شده باشد از باب ضرورت، پس از امتناع بایع از فروش به قیمت عادلانه و انحصار راه رفع ضرورت به تسعیر، قیمت گذاری دستوری دولت، جایز است. اگر قائل به توسعه قلمرو حکم حکومتی در الزامات شریعت شویم و مصلحت اقوی به تسعیر تعلق گیرد، از باب حکم حکومتی تسعیر جایز می شود. بنابراین درک صحیح و دقیق موقعیت اجتماعی و وضعیت بازار نقش مهمی در تشخیص حکم تسعیر دارد.

این پژوهش با ارائهٔ «مدل تصمیم‌گیری سیاستی سه‌لایه‌ای»، نشان می‌دهد که تشخیص دقیق حکم تسعیر مستلزم تحلیل همزمان شرایط بازار از منظر فقهی و اقتصادی است. این مدل نه‌تنها از اختلاط میان احکام اولی، ثانوی و حکومتی جلوگیری می‌کند، بلکه زمینه را برای سیاست‌گذاری‌های شفاف، مبتنی بر دلیل و متناسب با شرایط عینی فراهم می‌سازد. در این راستا، تشکیل «هیئت فقهی-اقتصادی» به‌عنوان واحد تخصصی موضوع‌شناسی و جایگاه‌شناسی حکم، ضروری به‌نظر می‌رسد تا از سوءاستفاده و استنادهای غیرواقعی به شریعت در مورد جواز یا حرمت تسعیر جلوگیری شود.

نسخه پیش از انتشار اولیه

سپاسگذاری

بدین‌وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از اساتید فرهیخته، پژوهشگران گران‌قدر و تمامی عزیزانی که با راهنمایی‌های علمی، نکات دقیق و پیشنهادهای ارزشمند خود در بهبود این مقاله با موضوع تسعیر یاری‌رسان بودند، اعلام می‌دارم. همچنین از حمایت‌ها و همراهی‌های صمیمانه خانواده و دوستان که زمینه استمرار این پژوهش را فراهم کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم. بی‌تردید، کاستی‌های موجود در این اثر بر عهده نگارنده است.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

منابع

- القرآن الکریم
- آهنگران، روح اله. (۱۳۹۸). قواعد و فواید تسعیر اختیاری در بازار اسلامی با انطباق بر فقه المکاسب. شباک، ۵(۱۲ (پیاپی ۵۱))، ۶۸-۵۷. SID. https://sid.ir/paper/۵۲٤٤۲۲fa/
- ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق) التوحید (للصدوق) - ایران ؛ قم، جامعه مدرسین.
- ابن‌ادریس، محمد بن احمد. (۱۳۸۷). موسوعة ابن‌إدریس الحلی (ج۱۰). قم: دلیل ما.
- ابن جزَی. (بی‌تا). القوانین الفقهیه، بیروت: مکتبة الثقافیه.
- ابن‌قدامه. (۱۴۱۴ق). المغنی علی مختصر الخرقی، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین. بیروت.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب (ج۴). بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- بحرانی، محمد صنقور علی. (۱۴۲۸ق). المعجم الأصولی (ج۲). قم: انتشارات الطیار.
- تابناک. (۱۴۰۲، ۸ بهمن). جزئیات تازه از سهمیه‌بندی آرد و نان.
- جمعی از محققان. (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الإسلامي طبقا لمذهب أهل البیت علیهم السلام (ج۲۷). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۸٤). قیمت گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد . جستارهای اقتصادی، ۲(٤)، ۱۱۲-۸۱. SID. https://sid.ir/paper/۱۰۸۸۹۵fa/
- حسینی، سیدعقیل، بهمن پوری، عبداله، و حیدری خوراسگانی، محمدرضا. (۱۳۹۹). تحلیل فقهی اقتصادی قیمت و قیمت گذاری (تسعیر) با تکیه بر دیدگاه علامه حلی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲۱۱ (پیاپی ۲۲))، ۱٤۳-۱۵٤. SID. https://sid.ir/paper/۱۰۳۸۹۲۷fa/
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (چاپ اول). قم.
- حماد، نزیه. (۱۴۲۹ق). معجم المصطلحات المالیة و الاقتصادیة فی لغة الفقهاء. دمشق: دارالقلم.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی (ج۳۷). قم: مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۶). صحیفه امام (ج۲۰). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۶). نامه به مجلس شورای اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۴۲۱ق). تحریر الوسیله (ج۲). قم: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲). کتاب البیع (ج۳). تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی.
- دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز. (۱۴۱۴ق). المراسم العلویة و الأحکام النبویة. قم: انتشارات المعاونیة الثقافیة للمجمع العالمی لأهل‌البیت.
- روشنی, علی , زنگنه شهرکی, جعفر و روشنی, مسعود . (۱٤۰٤). مبانی فقهی-حقوقی مداخلهٔ حکومت در روابط استیجاری. آموزه‌های اقتصاد اسلامی, ۱(۲), ۹۰-۷۳. doi: ۱۰.۳۰۵۱۳/ied.۱۱۷٤/٤۳۸۰/۲۰۲۵

نسخه پیش از انتشار آنلاین در استه

- زحیلی، مصطفی وهبه. (۱۴۱۸ق). الفقه الاسلامی و ادلته (ج۴). دمشق.
- سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان. (۱۳۹۹). گزارش احتکار شکر. تهران: سازمان حمایت.
- سیستانی، علی. (۱۴۳۷ق). الاجتهاد و التقلید و الاحتیاط. منامه - بحرین: مداد للثقافة و الإعلام.
- سیستانی علی. (١٤١٥ق). منهاج الصالحین (سیستانی). جلد ۲. قم - ایران: مکتب آیة الله العظمی السید السیستانی.
- شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (تحقیق صبحی صالح، چاپ اول). قم
- شفیعی، سید علی، (١٤٠٠ش) «التحقیق فی عدّ موارد الاحتکار فی الفقه الشیعی»، مفتاح‌الفقاهه، شماره ۱ و ۲، ص۳-۲۳. http://noo.rs/KTT۳G
- صدر، سید محمدباقر. (۱۴۰۸ق). اقتصادنا (چاپ بیستم). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۳). اقتصاد ما (ج۲، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی ژرفا، چاپ اول). قم: پژوهشگاه علمی-تخصصی شهید صدر.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة (ج۲). تهران: مکتبة المرتضویة.
- طوسی محمد بن حسن. (١٣٦٥). تهذیب الأحکام. ج۷. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی محمد بن حسن. (١٣٦٣). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. ج۳. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ط الحدیثة: الطهارة إلی الجعالة، ج۱۲). قم: مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث.
- کرکی، علی بن حسین. (١٤١٤ق). جامع المقاصد في شرح القواعد. ج٤. قم - ایران: مؤسسة آل البیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث.
- کریم‌پور، سیدحسین؛ صفری، محمدهادی. (۱۴۰۲). واکاوی آموزه حدیثی «الله هو المسعر» در منابع فریقین. مطالعات فهم حدیث. دوره ۹، شماره ۲. https://civilica.com/doc/۱۷۰۹۳٦٦/
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (چاپ چهارم). تهران: دارالاسلامیه.
- گرمه‌گی بایگی، رضا؛ عربشاهی، محمد. (۱۴۰۳). امکان‌سنجی قیمت‌گذاری اجباری توسط دولت در شرایط قحطی و کمبود کالا از نگاه فریقین. مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی. شماره ۸ رتبه: ب (۲۹ صفحه - از ۱۴۲ تا ۱۷۰) http://noo.rs/vOMb
- محمدی بلبان‌آباد، فراست. (۱۳۹۹). بررسی قیمت دستوری در فقه اسلامی. فقه حکومتی، دوفصلنامه فقه حکومتی، دوره: ۵، شماره: ۹. https://civilica.com/doc/۱۲٦٥٩۱۷/
- مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه. (۱۴۳۰ق). موسوعة أصول الفقه المقارن (ج۴). تهران: المجمع العالمي للتقریب بین المذاهب الإسلامیة.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ق). المقنعة. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۶۲). تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام (ج۱، ص۸۱-۸۳). قم.

نسخه پیش از انتشار اولیه

- منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة (ج۲). قم: المرکز العالمي للدراسات الاسلامیة.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام (ج۱۹، ص۲۸۲). قم: السید عبدالأعلی السبزواری.
- موسویان، سیدعباس؛ بهاری، حسن. (۱۳۹۲). مدل قیمت‌گذاری بازار کالاها و خدمات در اقتصاد مقاومتی. مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره: ۲، شماره: ٤.
https://civilica.com/doc/۱۸۸٤٥۹٤/
- نجفی، محمدحسن بن باقر. (۱۹۸۱). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج۲۲، چاپ علی آخوندی). بیروت.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، (بی‌تا)، جواهر الکلام (ط. القدیمة)، بیروت، دار إحیاء التراث العربي
- نعمتی زاده، ثارالله؛ بهمن پوری، عبدالله؛ جوکار علی. (۱۳۹۸). تحلیل فقهی حقوقی تسعیر با توجه به شرایط تورمی بازار، دانشگاه یاسوج، دانشکده علوم انسانی،
- نووی، یحیی بن شرف. (۱۴۱۵ق). روضة الطالبین (ج۳، ص۱۳۱). بیروت.
- وزارت بهداشت. (۱۳۹۸). اطلاعیه شماره ۱۲. تهران: وزارت بهداشت.

نسخه پیش از انتشار ناوردا